

۲ مجروحیت به فاصله ۳ روز

مرور خاطرات دکتر عباس کلانتر، جانباز ۷۰ درصد آسیب‌بخعی از ۱۸ سالگی و مجروحیت در عملیات عاشورای ۲ تا امروز. می‌گوید: من همچنان سرباز و وطنم

صادق غفوریان- سال ۶۲ بود، ۱۷ ساله بودم که برای اولین نوبت به جبهه اعزام شدم، تا مهر سال ۶۳ سه بار به جبهه اعزام شدم که نوبت آخر در جریان عملیات عاشورا ی ۲ که به آن «ارتقاات میمیک» هم می گفتند، مجروح شدم. صبح روز ۲۸ مهر بود، اعلام کردند قرار است خط به ارتش واگذار شود، فاصله مان با یبعی ها حدود ۲۰۰ متر بود. من زیر یک تانک پناه گرفته بودم. تانک می خواست حرکت کند، مجبور شدم جایزه آفریدی هم، همین جا بود که تانک تیرانداز دشمن من را هدف قرار دادند. این آغاز دوران جانباری و آسیب دیدگی نخاعی ام بود که تا امروز من را ویلچر نشین کرد...

● **روایت عباس، روایت خستگی ناپذیری**
ماجرای عباس کلاتر، ۵۹ ساله شهیدی که امروز باید به دادگتر عباس کلاتر بگویم، روایت حماسه، تلاش، خستگی ناپذیری و حرکت مداوم برای «موثر بودن» است. چه آن روز که جوانی ۱۷ ساله بود و سلامتی اش را برای وطن، ناموس و قرآن گذاشت و چه امروز که یک شخصیت تحصیل کرده و دغدغه مند در فعالیت های اجتماعی است.



● در اولین اعزام ۱۷ ساله بودم

با کلاتر به روزهای اولین اعزام سفر می‌کنیم. می‌گوییم سال ۶۲ بود، ۱۷ ساله بودم که برای اولین نوبت به جبهه اعزام شدم، تا مهر سال ۶۳ سه بار به عنوان بسیجی به جبهه اعزام شدم که نوبت آخر در جریان عملیات عاشورای ۲ که به آن «ارتقاات میمک» هم می‌گفتند، مجروح شدم. نوبت نخست در عملیات والفجر ۲ در ایلام و مهران تک تیرانداز بودم، در مرحله دوم در اسلام آباد غرب و ارتقاات کالی مانگا بیسیم چی و در اعزام سوم در عملیات عاشورای ۲، راننده آمبولانس بودم. در عاشورای ۲، فرماندهان تصمیم گرفتند باافرین دشمن زمین‌در عملیات، در میک‌فرام کنیم. به همین منظور بخشی از نیروها را کامیون‌ها به طرف جنوب منتقل کردند که از این انتقال نیرو، دشمن تصور کرد که قرار است عملیات در جنوب انجام شود. از این رو حواس بعضی‌ها از مناطق غرب تا حدودی پرت شده و این شکل، ایران عملیات عاشورای ۲ را در ارتقاات میمک در غرب و در شرایط غافلگیری دشمن و در وسعت زیاد انجام داد. مادر این عملیات، توانستیم اسرای زیادی بگیریم. البته عراقی‌ها مقاومت زیادی کردند اما شرایط کاملاً به نفع ما رقم خورد. من در آن عملیات به عنوان راننده آمبولانس حضور داشتم که در یکی از موقعیت‌ها هنگام انتقال مجروح، به سمت آمبولانس تیراندازی کردند. همه آمبولانس‌ها گالی شده بود و فقط قسمتی از شیشه جلو، پوشش گلی نداشت. انعکاس نور شیشه باعث شد، گرای آمبولانس را بگیرند و به طرفش تیراندازی کنند. آن جابود که مقداری تیر و ترکش به دست‌ها و صورت‌ها اصابت کرد و من با همان وضعیت آمبولانس را به عقب منتقل کردم. بدین‌منجر جویت چندین جدی نیروی ملی به‌من گفتند که چون احتمالاً شیمیایی شدی، بهتر است به ایلام‌واز آن‌جا به‌مشهد منتقل شوی. من در مقر لشکر ۵ صبر در یادگان ظفر در حوالی شهر چوار ایلام مستقر شدم. خاطر هست آن



«کلاتر» مسئول و موسس واحد روان شناسی آتش نشانی مشهد

جا بامادرم تلفنی صحبت کردم چون صدامی گرفته بود، مادرم خیلی نگرانم شد.

من مجروح شده بودم اما شرایط باز گشت به مشهد فراهم نشد. در همین اثنا، دو سه روز بعد اعلام شد یعنی هاپتاک زد اندو بایده نیرو به خط اعزام شود. من هم برای شرکت در عملیات به عنوان راننده آمبولانس به خط مقدم بروم. صبح ۲۸ مهر بود که اعلام کرد که هاپتاک در خط راننده نیروهای پادفندی ارتش و انگار کشند. کتک های ارتش هم دیده بودند. ناگهان دشمن شروع به تیراندازی کرد، فاصله ما با آن ها حدود ۲۰۰ متر بود که من زیر یکی از این تانک هاپتاک گرفتم. لحظاتی گذشت راننده تانک تصمیم گرفت حرکت کند و من باید جایم را تغییر می دادم.

● ۲ تیرہ پھلو ویک تیرہ دستم خورد

بعثی ها گرای تانک را گرفته بودند از این جهت به سمت
ان رگبار گرفتند. همین که از زیر تانک بیرون آمدم تا خودم
را توی خاک ریز ببندام، ۲ تیر به پهلویک تیر به دستم
اصابت کرد. با همان وضعیت خودم را کشتان کشتان به
سمت خاک ریز کشاندم.

● وناگهان خمپاره ۶۰ فرود آمد

در همین وضعیت بحرانی ناگهان یک خمپاره ۶۰ در نزدیکی هایم فرود آمد که دیگر از آن لحظه، چیزی متوجه نشدم و به حالت شبه کما فرو رفتم. پس از آن لحظه ای از داخل آملولانس و بعد از آن حضورم در بیمارستان اسلام آباد را کمی متوجه شدم.

● ۴ روز بعد در مشهد بودم

در همین حال واحوال بیهوشی ظاهر ایک پرواز هواپیمای
سی ۱۳۰ به سمت مشهد فراهم می شود و من با وضعیت
بغرنج مجروحیت به مشهد منتقل شدم. یعنی اول آبان بود

● از معراج شهدا برگشت خوردم

این راهم بگویم که پس از مجروحیت، نیروهای امدادی فکر می کردند که من شهید شدم و می خواستند من را هم میان شهدا به معراج شهدا منتقل کنند که در آخرین لحظات من را از مسیر معراج به بیمارستان اسلام آباد منتقل می کنند.

● عضو تیم ابومسلم بودم

من که قبل از جبهه عضو تیم های دوومیدانی خراسان و حتی تیم فوتبال ابومسلم بودم، حالا روی تخت بیمارستان قائم مشهد بودم در وضعیت مبهمی که باهایم از کار افتاده بود. مرحوم مادر می گفت، همان روزها گاهی با سوزن به پایت می زد مومی دیدم که واکنش نشان نمی دهی.

● با اکبر میثاقیان و محمد اعظم

آن زمان که من در جوانان اومسلم بودم، اکثر آقای میثاقیان و مرحوم محمد اعظم در بزرگ سالان اومسلم بازی می کردند. در دو میدانی هم با حسن روحی، جمشید مهبیار، رضا عسکرزاده، احمد عطری و... در تیم خراسان هم تیمی بودیم. برای خودمان ورزشکار بودیم. همین حال و هوای ورزشی بود که در دوران ویلچر نشینی به دنبال ورزش رفتیم.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

بہروز صائبی - رئیس ثبت اسناد و اعلیٰ منطقہ ۵ مشہد ۱۱۹۲۷۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

بشیر پاشائی - رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۱۶۳۷۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر از شماره ۵۹۶۶/۵۲۰۰۳۶۰۳۶۰۱۴۰ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف، وضعیت ثبتی و اراضی و مستحقان، فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی خرمی دولت جهت فرمایان تصرفات مالکانه با معارضات متقاضیان اراضی مسعود قزوین در عرضی حد ۵۸۸۶/۶۹۷۱ و به شماره ۵۸۸۶/۵۲۰۰۳۶۰۳۶۰۱۴۰ صادره از فرمایان در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۶۷/۵۶ متر مربع پلاک ۱۰ فرعی از ۲۷۵ واقع در بخش ۱۳ فریدرادی از مالک رسمی آقای غلامرضا عیسی زهری گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز اگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اراضی داشته باشند تاوانند از تاریخ انتشار اوان اگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض و ادعاهای خود را در مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت تقاضای سند مذکور و عدم وصول اراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م. الف ۶۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵/۰۳/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۳۸۵/۰۳/۱۴

حسین مہرجو - رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان ۱۱۶۲۸۴

آکھي موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تکليف وضعيت ثبت و اراضى و ساختمانهاى فاقد سند رسمى

[illegible]

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

116291 أبو القاسم نظام زاده - رئیس ثبت اسناد و املاک



جامعه
زودتر با خبر شوید...

واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵
www.mozayedemonaghese.com



آرنا

پوشاک بانوان و آقایان

به مناسبت نوروز

هدیه برای خرید کت و شلوار

۳ میلیون تومان

شرکت پارمیس تجارت آرنا

تولیدکننده پوشاک بانوان و آقایان با سابقه درخشان در تامین البسه
فروشگاهی، لباس فرم اداری، مهندسی، خلبانی، تشریفات و بیمارستانی
برای اعطای نمایندگی از متقاضیان واجد شرایط در سراسر کشور
دعوت به همکاری می نماید.

شما هم می توانید عضوی از **خانواده بزرگ آرنا** باشید.

تامین لباس فرم سازمان خود را به تجربه و تخصص ما بسپارید

آماده عقد قرارداد با سازمان ها و شرکت های دولتی و خصوصی

برای آگاهی از شرایط نمایندگی با شماره های ۰۹۱۲۲۸۴۱۵۸۱ و ۰۲۱ ۸۸۳۴۹۶۲۷ تماس حاصل فرمایید.

آگهی اعطای نمایندگی فروش محصولات آرنا جم

شرکت آرنا جم تاسیس کننده هدایا تبلیغاتی

با استفاده از گوهر سنگ ها در قالب ناب و عقیق و سایر محصولات متنوع تبلیغاتی



تأمین هدایای تبلیغاتی خاص خود را به تجربه و تخصص ما بسپارید

آماده عقد قرارداد با سازمان ها و شرکت های دولتی و خصوصی

برای خرید و سفارش محصولات با شماره های ۰۹۱۲۲۸۴۱۵۸۱ و ۰۲۱ ۸۸۳۴۹۶۲۷ تماس حاصل فرمایید.